

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مقوله عشق از دیوان عطار نیشابوری

دکتر رحیمه سیفی

www.ketab.ir

سرشناسه : سیفی، رحیمه، ۱۳۵۲-
عنوان و نام پدیدآور : مقوله عشق در دیوان عطار نیشابوری/ رحیمه سیفی.
مشخصات نشر : ملکان: رحیمه سیفی، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری : ۱۴۷ ص.
شابک : ۹۷۸-۶۰۰۰۴-۸۱۶۸-۱
وضعیت فهرست نویسی : فیبا
یادداشت : کتابنامه
موضوع : عطار، محمدبن ابراهیم، ۶۵۳۷-۶۱۳۷ق. -- دیدگاه درباره عشق
موضوع : Farid od Din Attar -- Views on love
موضوع : عشق در ادبیات
موضوع : Love in literature
موضوع : شعر فارسی -- قرن ۶ ق. -- تاریخ و نقد
موضوع : Persian poetry--12th century -- History and criticism
رده بندی کنگره : ۹ ۱۳۹۶ س ۵ /ع ۵۰۵۷ PIR
رده بندی دیویی : ۸۴ ۱/۳۳
شماره کتابشناسی ملی : ۴۸۰۱۳۱۳۱

عنوان کتاب : مقوله عشق در دیوان عطار نیشابوری
تألیف : رحیمه سیفی
ناشر : رحیمه سیفی
نوبت چاپ و سال چاپ : سوم- بهار ۱۳۹۸
شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
شابک : ۹۷۸-۶۰۰۰۴-۸۱۶۸-۱
چاپ و صحافی : امین

فهرست مطالب

- پیشگفتار ۹
- تعریف لغوی و اصطلاحی عشق ۹
- تعریف عشق و معنا و ریشه عشق ۹
- ریشه واژه‌ی عشق ۱۰
- عشق از دیدگاه اندیشه‌مندان ۱۰

فصل اول: عقل و عشق

- رابطه‌ی عقل و عشق ۱۳
- انگیزه‌های عشق آفرین ۱۳
- فطری بودن عشق ۱۴
- اوصاف عاشق ۱۴
- اوصاف معشوق ۱۵
- عشق و غم و رنج ۱۵
- تقسیمات عشق ۱۶
- تقسیم‌بندی عشق براساس ادراکات سه‌گانه ادراکات علامه طباطبایی ۱۶
- سختی‌های عشق ۱۷

فصل دوم: تشبیهات عشق در دیوان عطار

- معنای لغوی و اصطلاحی تشبیه ۱۹
- نمونه‌هایی از تشبیهات عشق در دیوان عطار ۱۹

فصل سوم: توصیف و تحلیل عشق در دیوان عطار

عشق در دیوان عطار.....	۲۷
نمونه‌هایی از توصیفات عشق در دیوان عطار.....	۲۷
منابع و مأخذ.....	۱۴۵

www.ketab.ir

پیشگفتار

تعریف لغوی و اصطلاحی عشق

«عشق از عشقِ گرده شده است و عشقِ قلّه و بالاترین نقطه‌ی کوه است و به این ترتیب اگر گفته شود فلانی عاشق شد است منظور این است که محبت او زیاد شده و به حداکثر رسیده است.» (طباطبایی، ۱۳۸۰: ۱۰)

در لغت نامه دهخدا آمده است:

«عشق اسم از مصدر عشق و آن به معنی افراط است و حب از روی عفاف یا فسق و گویند اشتقاق آن از عشقه است که بر درخت می‌پیچد و ملازم آن می‌باشد.»

«عشق پیچان نباتی است که در درخت پیچد، آن را سخ باشد و در عرف آن را عشق پیچان می‌گویند.» (عادل‌زاده، ۱۳۸۷: ۱۸۴)

در «غیاث اللغات» آمده است: «عشق مرضی است از جنس حوسه که از دیدن صورت زیبا پیدا می‌شود و گویند که آن ماخوذ از عشقه است و آن نباتی است که چمن بر درختی پیچد، آن را خشک کند، همین حالت برای عشق نیز منظور است، بر هر گیاهی که طاری شود صاحب‌اش را خشک و زرد می‌کند.»

تعریف عشق و معنا و ریشه عشق

حال که مشخص شد واژه‌ی عشق جای بررسی و پرداختن به آن را دارد باید بینیم معنای دقیق عشق چیست. استاد در معنای عشق می‌فرمایند: «علاقه به شخص یا شی، وقتی که به اوج شدت برسد به طوری که وجود انسان را مسخر کند و حاکم مطلق وجود او گردد عشق نامیده می‌شود.» (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۳)

ریشه واژه‌ی عشق

در زبان عربی می‌گویند کلمه «عشق» در اصل از ماده‌ی «عشقه» است و عشق نام گیاهی است که در فارسی به آن «پیچک» می‌گویند. که به هرچیز برسد دور آن می‌پیچد، مثلاً وقتی به یک گیاه دیگر می‌رسد چنان دور آن می‌پیچد که آن را تقریباً محدود و محصور می‌کند و در اختیار خودش قرار می‌دهد. (همان)

عشق از دیدگاه اندیشه‌مندان

شیخ‌الرئیس ابن‌سینا می‌گوید: «عشق علت وجود همه‌ی موجودات است، موهبتی است که اختصاص به انسان ندارد و همه‌ی موجودات به نحوی از آن برخوردارند.» (شیخ‌الرئیس ابن‌سینا، ۱۳۸۸: ۳۷۵)

عطار نیز انسانیت انسان را در محراب عشق‌ورزی او می‌داند و معتقد است در غیر این صورت او را آدمی نمی‌توان خواند.

کسی کو نیست عاشق، آدمی نیست
که او را با چنان همدم دمی نیست
(عطار، ۱۳۳۸: ۴۱)

«صدرالمتألهین» در ترجمه‌ی اسفار عشق را چنین تعریف می‌کند: «عشق پاک کامل‌ترین اسباب درنرم کردن نفس و تابناک کردن دل است. (صدرالمتألهین، ۱۳۸۱: ۱۹۳)
«شهیدمطهری» بیان کرده است: «عشق از نظر مبدا جنسی است ولی از نظر منتهی و کیفیت غیرجنسی است. یعنی ابتدا به طور جنسی شروع می‌شود ولی بعد تغییر کیفیت و حالت می‌دهد و تبدیل به یک حالت روحانی می‌شود.» (مطهری، ۱۳۶۴: ۴۷)

«عشق در تداول عامه عبارت است از هیجان و شوق جنسی مستمر و غلبه‌ی محبت به محبوبی که وصال او مطلوب است به این معنی در ادب فارسی به حدّ وفور و مخصوصاً در غزل، تشبیب و گاه در سایر انواع و فنون شعری متداول است و از آن به محبت و مهربانی تعبیر می‌کنند. صوفیه عشق را جنون الهی و دام حق خوانده‌اند و آن را از مهم‌ترین مقامات وصول دانسته‌اند.» (دایره‌المعارف، ۱۳۸۳: ۷۳۶)

امام خمینی در باب عشق معتقدند که «انسان مقهور عشق است و در فطرت تمامی موجودات حبّ ذاتی و جذبه‌ی الهی و آتش عشق ربّانی موجود است.» (امام خمینی، ۱۳۷۲: ۷۱)

پائولو کوئیلو در خصوص عشق می‌گوید: «عاشق بردبار است، مهربان است، در آتش حسد نمی‌سوزد، کبر و غرور ندارد، نفع خویش را خواهان نیست، خشم نمی‌گیرد، سوءظن ندارد، از ناراستی شاد نمی‌شود، در همه چیز صبر می‌کند، همه را باور می‌کند، همواره امیدوار است و عشق هرگز نابود نمی‌شود.» (پائولو کوئیلو، ۱۳۸۰: ۲۲)

هجویری در بحث عشق، از سخن مشایخ در این باره یاد می‌کند و از قول آنان می‌نویسد که چون عشق صفت منع از محبوب را می‌رساند و عشق بنده بر خدا جایز است و عشق خدا بر بنده روا نیست و از معتقدند که چون عشق تجاوز از حد است و خداوند تعالی را حدی نیست، پس عشق خداوند بر بنده جایز است.

«عشق صفت منع است از محبوب خود و بنده ممنوع است از حق و حق تعالی ممنوع نیست پس عشق بنده از این جایز بود و از وی روا نباشد.» (هجویری، ۱۳۸۳: ۴۵۴)

شهید مطهری نیز عشق را به نوع دانسته است: «عشق دو نوع است، جسمانی و روحانی، جسمانی همان شهوانی است به قائل ستایش نیست که در عشق جسمانی هدف تصاحب معشوق و از وصال او بهره‌مند شدن است، را در عشق روحانی وصال و تصاحب مطرح نیست، فنای عاشق در معشوق مطرح است.» (مطهری، ۱۳۰۳: ۶۴)